

قرآن در نظر اروپائیان

چندی پیش یکی از دوستان کتابی انگلیسی بنام Charm of Islam

(جذابیت اسلام) بمن داد تا آنرا مطالعه کرده و قسمتهای برجسته اش را انتخاب و ترجمه کنم. این کتاب که چاپ دوم آن در سال ۱۹۶۰ در بیست و پنج هزار نسخه چاپ شده، در نه بخش تنظیم شده است که اینک ترجمه فصل چهارم آن از نظر خوانندگان محترم میگذرد. در این فصل از بیش از بیست کتاب مختلف که بزبانهای فرانسه و انگلیسی درباره قرآن اظهار نظر کرده اند، قسمتهائی را نقل می‌کنند و ما برای آنکه تاحدی باتأثیر و نفوذ قرآن در بین سایر ملل آشنا شویم عین آنرا ترجمه کرده، و در ذیل هر قسمت ترجمه، نام کتاب را نقل می‌کنیم. . . باشد که مفید افتد.

محمد جواد باهنر



ف. ف. اربونتت میگوید: F.F. Arbuthnot

« از نقطه نظر ادبی، قرآن بعنوان نمونه فصیحترین عربی که در سبکی بین نثر و شعر در آمده است، ملاحظه میشود. تعجب در این است: با آنکه قرآن از نظر لغات و طرز گرامری

و جمله بندی عیناً طبق قواعد دستوری عربی است، با وجود این، تمام همتیکه دیگران بخرج داده اند که بظرافت و بلاغت قرآن چیزی بنویسند تا کنون موفق نشده اند.»

«علاوه از جهت فوق آخرین و کاملترین متن قرآن در بین بیست سال پس از مرگ پیغمبر (۶۳۲ م) تدوین شده است و عیناً همان متن تا کنون باقی مانده است. بدون آنکه هیچگونه تحریف و تصرفی از طرف هواداران قرآن یا مترجمین و مفسرین در آن بعمل آمده باشد متأسفانه چنین ادعائی در باره هیچیک از کتب عهد قدیم و جدید نمیتوان کرد.»

«بنیان بیبهاو قرآن» لندن، ۱۸۸۵ ص ۵

* * *

ا.ج. اربی A.J. ARBERRY میگوید:

در باره خود قرآن قضاوت نمی کنیم، بلکه در باره ترجمه های زیاد و نارسائی که بعنوان ترجمه های خوب و صحیح تهیه شده است میگوئیم: ترجمه بدبهبه چوچه نمیتواند بطور کامل معنی را بفهماند قرآن از نظر مترجمین انگلیسی زبانش خوش بخت است، چون «سل» و «پالمر» نویسندگان باذوقی بودند، اشتباه در ترجمه باندازه اشتباه در سبک خواندن ترجمه ها نیست، اساس گرفتاری آن است که بطور کلی، خوانندگان معمولی - و حتی در این مورد خوانندگان غیر معمولی نیز - کاملاً رهنمائی نشده اند که قرآن را چگونه بخوانند. در ابتداء، یک نفر غربی که میخواهد قرآن را بخواند، باید از این ادعا که قرآن کم و بیش نظیر تورات است، دست بردارد.

وقتیکه خواننده در اولین نظر تصادفی بسراغ اسامی : آدم - ابراهیم - موسی - داود - سلیمان - یوسف و یعقوب می‌رود ، طبیعی است که قرآن را کاملاً نمی‌فهمد .

وی باین تأثیرات آنی گمراه میشود ، خواننده از اینکه سعی دارد ، فوراً مطالب زیادی بفهمد ، اشتباه خطرناکی میکند . وی هر - جای قرآن را که دوست داشت باز میکند ، مثلاً اول يك سوره را ، وی ابتدا نفهمیده ، از اینکه ترتیب ابواب و آیات بنظرش آشنا می‌آید ، آرامش پیدا میکند ؛ اولین سوره را تمام میکند و بچند سوره دیگر هم ادامه میدهد ، و از تبدیل و تغییر سریع موضوع که بنظر غیر منطقی می‌آید پریشان میشود ، و از نظر فی از تکرار بیان مطالب و دستور العمل‌ها خسته میشود ، چه وی سادگی و روانی کتاب پادشاهان و سموئیل و فصاحت زبور داود و اشعیا را از دست داده و در عین حال نتوانسته است اسرار عالی قرآن را کشف کند ، او قرآن را با آنچه از کودکی بوی آموخته‌اند مقایسه میکند و حاضر است با کارلیل - در عقیده اینکه در باره قرآن داشته است - موافقت کند .

قرآن ، مانند سبک شعری . که از جهاتی شبیه آن است - بهترین نمونه خلاصه گوئی است ، ولی این خلاصه احتیاج بفکر و دقت دارد ، تا کم کم خواننده با این ادعای قرآن که کتب مقدس سابق را تصدیق میکند ، آشنا شود وی ملاحظه میکند که قرآن مطالب کتب مقدس را دارد و علاوه بر این مطالب و داستانهای دیگری هم زیاد کرده است خواننده ، قدم بقدم نبروهای کامل رسالت را کشف میکند و هنگامی که بمباحث و قانون گزاری قرآن می‌رسد ، بهتر میتواند مطالب را

درک کند .

هم اکنون که وی خواننده محقق و رزیده ای است و با اصرار و صمیمیت هر چه زیادت تر می خواهد قرآن را آنطور که هست بشناسد ، تازه نمی تواند لذتی را که يك نفر مرد معتقد از قرآن می برد ، قبول کند .

چو وی با دو مانع از این لذت محروم است : صفحه چاپ شده که در پیش اوست و اصطلاحات خارجی قرآن از آن نظر ، اصطلاح خارجی است که بصورت عربی و حی شده است و جنبه مهیج و دل انگیز بودن قرآن اصلی تقریباً بطور کلی در ترجمه ها - هر چند هم ماهرانه باشد - از بین می رود .

وقتی بنیاد در آن شرائط از قرآن قدر شناسی کنیم ، دیگر ناراحتی از تکرار مطالب و کمیچ و پویشان شدن از فشرده بودن مطالب بحساب قرآن گذارده نمیشود .

حقیقت باتذکرات مکرر تیره نه میشود ؛ در هر تکرار باید از جهات حساس و مناسب آن استفاده کرد هر جا حقیقت آمد ؛ دیگر بهیچوجه مسئله غیر منطقی بودن ، یا قابل فهم نبودن مطرح نیست .

«قرآن مقدس» - مقدمه و منتخبات . چاپ لندن - ۱۹۵۴ -

ص ۱۷ و ۲۵ - ۴۷

* * *

بسانتا کومر بوس میگوید:

... بنابراین هیچگونه فرصتی برای جعل و دخل و تصرف مسلمانان

و هواداران ؛ در قرآن باقی نمی ماند . و همین موضوع قرآن را تقریباً

از تمام آثار مهم مذهبی تاریخ باستان امتیاز داده است .
 خیلی بعید است که توانسته باشد، شخص درس نخوانده ئی
 بهترین کتاب زبان عرب را خود انشاء کند .

«آئین محمدی»، کنگره - ۱۹۳۱ - ص ۴

* * *

پول کاوانووا مینویسد .

هر گاه از محمد صلی الله علیه و آله معجزه ئی میخواستند که دلیل صحت ادعایش
 باشد ، وی قسمتی از قرآن را عرضه میداشت و جلال و شکوه
 بی نظیرش شاهد آن بود که ریشه و منشأ الهی و ملکوتی دارد
 و در حقیقت، حتی برای آنها که مسلمان نیستند ، هیچ چیز عجیبتر
 از زبان قرآن نیست که با بیان بس رسا و طنین دل انگیز و گوش
 نوازش ، مردم آن روز را که بسیار علاقه مند بفصاحت بودند ، مجذوب
 و شیفته کرده و وادار به تحسین مینمود .

وسعت سیلابها و طنطنه آهنک و سجع و قافیة عجیبش بیشتر
 اوقات، بسیاری از مخالفین و مشرکین را منقلب میکرد .

* * *

جان ویلیام درپر G.w.Draper میگوید :

قرآن تذکرات عالی اخلاقی و دستورات زیادی دارد سبک انشاء
 قرآن بطوری تنظیم شده است ، که ما بهیچ صفحه ای مراجعه نمیکنیم
 جز آنکه عالیترین چیزی را که همه کس بایستی پسندیده و تصدیق
 کند ، در آن خواهیم یافت ، این بنیاد مخصوص که بصورت تکه های

کوتاه کوتاه است ، مطالب ، شعارها و قوانینی را بما میآ موزد که بخودی خود کامل بوده و برای عموم مردم در تمام حوادث و احتیاجات زندگی مناسب و قابل استفاده است .

«تاریخ ترقی فکر اروپا» لندن ۱۸۷۵ ص ۳۴۳-۳۴۴

* * *

هاری سمای لرد درهن میگوید:

قرآن وحی پروردگار است که بصورت لفظی ، توسط جبرئیل بر حضرت محمد (ص) نازل شده است .

قرآن معجزه دائمی است که گواه خود وهم گواه محمد، پیغمبر خدا میباشد . نحوه اعجازش تا اندازه بی بسبک انشاء قرآن بستگی دارد . آنچه آن کامل و تمام است که هیچ جن وانسی نمیتواند يك قسمت بیاورد که با بخش مختصری از قرآن قابل مقایسه باشد، حتی کمی از تعلیمات پایدار قرآن : پیشگوئیهاییکه در باره آینده کرده است ، اطلاعات درست و شگفت انگیزیکه دارد ، آنچه آن است که حضرت محمد که استادی ندیده است ، بهیچوجه نمیتواند ، از پیش خود آنها را فراهم ساخته و انشاء کند .

«بموی شناسائی اسلام» نیویورک ۱۹۴۸ ص ۴

ه . ا . ر . ر . جیب (H. À R. Gibb) مینویسد : اگر قرآن انشاء

خود پیغمبر بود ، سایر مردم هم میتوانند رقابت کنند ؛ بگذارده آیه نظیر قرآن بیاورند . اگر نتوانستند (و روشن است که نمیتوانند) اجازه بدهید ، آن را بعنوان معجزه مستدل و برجسته ای بپذیرند

«آئین محمدی» لندن ۱۹۵۳ ص ۴۴



هر تو یگ هیر چفلمد میگوید:

از اینکه قرآن را سرچشمه علوم میبایم ، نباید تعجب کنیم .
تمام موضوعاتی که مربوط به آسمانها ، زمین ، زندگی انسان ، تجارت
و انواع گوناگون معاملات است ، در سطح عالی قرار گرفته و ماهرانه
است

بدین طریق قرآن عهده دار بحثهای بزرگی است ، و توسعه شگفت
انگیز جهان اسلام در تمام شعب علوم ، غیر مستقیم مدیون آن است .
و آن نه تنها عرب را بدانش تشویق کرد بلکه فلاسفه یهود را نیز
وادار و ترغیب کرد ، که مسائل مذهبی و ماوراء الطبیعه را بر روش عربها
تعقیب کنند . آخر الامر اسکولاستیک (علم کلام مسیحی) آنچنان با
عرفان اسلامی پرورش یافته و ترقی کرد که احتیاج به بحث زیاد
تری نداشت .

جنب و جوش علمی و عقلانی که در بین دستجات مسلمین آغاز
شد ، تنها مستند بافکار مربوط بالهیات نبود ، و قوف بر نوشته های
فلسفی ، ریاضی ، نجومی و طبیی یونان منجر به تعقیب اینگونه مطالعات
گردید .

در الهامات قرآنی که برای مردم بیان شده است ، تئ (ص)
کراراً توجه مردم را به جنبش آسمانی و توجه معنوی اشخاص جلب
میکرد ، همانطور که قسمت دیگری از آیات الهی آنانرا به خدمت
و کمک کردن بمردم - البته نه تاسر حد بندگی و عبادت - وادار میکند

مردم مسلمان از هر نژادی که بودند با موفقیت عجیبی به تحقیق و بحث علمی پرداختند، بررسی علم نجوم نشان میدهد، که مسلمین قرن‌ها نگهداران این علم بودند. حتی هم اکنون نیز بسیاری از اسامی عربی ستاره‌ها و اصطلاحات فنی در بین ما بکار می‌رود. منجمین قرون وسطای اروپا شاگردان عربها بودند.

بهمین ترتیب، قرآن تحوّل‌ی در مطالعات طبی ایجاد کرده و دستور بررسی عالم طبیعت را، بطور کلی، داد.

«تحقیقات جدید در بارهٔ انشاء و تفسیر قرآن» لندن، ۱۹۰۴ ص ۹

* * *

روح. مارگولوت مینویسد:

قرآن، بطور مسلم در بین کتب بزرگ آسمانی جهان، مقام ارجمندی دارد. گرچه جدیدترین تحولات بوجود آورندهٔ تاریخ؛ با این کلاس ادبیات مربوط است، هیچ اثری شگفت‌انگیزتر از ایجاد توده‌های بزرگ انسانی؛ نداشته است. قرآن سبک جدید تفکر انسانی و اخلاق نوین را بوجود آورده است.

«درهرفی قرآن» لندن ۱۹۱۸

* * *

سرویلیام‌ویز میگوید:

قرآن شاهکار اسلام است، دامنهٔ تسلطش بر تمام مطالب مذهبی گسترده شده است، علم و اخلاق بطور مساوی همانطور که در مطالب مذهبی است. در آن جمع می‌باشد. قرآن عالی است و با کمال دقت آنچنان طرح ریزی شده که سؤال بر دار نیست (کامل و

روشن است) ...

«زندگی محمد» لندن ۱۹۰۳ - فصل قرآن ص ۷

ادوارد منتیت میگوید:

تمام آنها که باقرآن در زبان عربی آشنا هستند؛ درستودن لطافت و زیبائی این کتاب مذهبی اتفاق دارند. طرح عالی قرآن آنچنان بلند و باشکوه است، که هیچ ترجمه‌ئی بهیچ زبان اروپائی نمیتواند حق آنرا ادا کند.

«ترجمه فرانسه قرآن» پاریس ۱۹۲۹ «معرفی» ص ۵۴

هیمز ۱۰. هیچز:

قرآن محتملاً بیش از همه کتابها در دنیا خواننده دارد؛ مطمئناً بیش از همه کتابها حفظ میشود، و ممکن است از همه کتابها، در زندگی روزمره پیروانش بیشتر تأثیر و نفوذ داشته باشد؛ قرآن مثل انجیل نیست، بلکه در سبک قابل ستایشی نوشته شده است، نه شعر است و نه نثر معمولی، هنوز آن قابلیت را دارد که شنوندگان را بلذت و وجدایمان برانگیزاند.

قرآن در بین سالهای ۶۱۵ و ۶۳۲ در شهرهای مکه و مدینه بحضرت محمد وحی شد؛ نویسندگان فدا کار و صمیمی آنرا روی صفحات کاغذ؛ پوست درختان و استخوانهای سفیدشانه حیوانات یادداشت کردند.

اولین الهامات افکار مردم را متوجه تو حید میکرد، یک خدا بیشتر نیست، خدای رحیم، مهربان. او الله است که خالق و صانع

و مصور است . هر چه در زمین و آسمان است مظهر جلال اویند . او توانا و دانا است .

این پیامی بود که بتها را از بین برد و بمردم الهام کرد که در زندگی خود و ملل دیگر انقلابی ایجاد کنند . در سالهای بعد ، وقتیکه اسلام نفوذ فراوانی در تمام مناطق عرب پیدا کرد و احتیاج بنیروی زیادی داشت ، برای ایجاد سازمان اجتماعی ، قوانین و آئین و مسائل لازم فرورستاده شد ...

قرآن در بحثهاییکه در بارهٔ یگانه‌گزینی خوب میکند، بخوبی سطح مطالب را پائین آورده است (روشن‌ویی تکلف صحبت میکند) ...
(نویسنده در اینجا بعنوان نمونه موضوع قرض را که باید بانوشته و دو شاهد محکم کرد از قرآن نقل میکند).

« اسلام مذهبیکه درست شناخته نشده » نقل از ریدرز دایجست

۱۹۵۵ م ۵۵۵ هـ

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

